

شناخت مسئله از نامسئله، متفکران رابه سان دوگان طلا و بدل به خود مشغول ساخته، چرا که مسئله تفکر و دغدغه انسان و جامعه، برابر با جایگاه و سرنوشت اوست. بگو به چه فکر می کنی تا بگویم چیستی!

در میان مسائل انسان امروز شاید کمتر مسئله ای به اهمیت سعادت و خوش بختی و نحوه رسیدن به آن باشد و در برابر نامسئله ها هنوز رازگونه اعماقش ناپیدا است. دولت و سعادت چارچوبی است اندیشه ای و مسئله مند به درازای تاریخ. آنجا که انسان به مثلث خوش بختی و فرحناکی، مدنیت و دولت، بی غایتی و ناتمامی دنیا در آخرت، می اندیشد و در پی جمع بین این سه تقلا کرده و انواع اندیشه رابه میان آورده است. حیرت انگیزی ماجرای انسان امروز، نادیده انگاری و حذف انتزاعی اضلاع مثلث یاد شده است. هرج و مرج سازی زندگی اگرچه پروژه برخی جریانات است، اما هنوز برای مکاتب جدی و اصیل انسانی، این سه، مسئله است. در پرونده پیش رو به این مسئله قدیمی اما همچنان زنده و روی میز پرداخته ایم. دالان فکر انسان را پیموده ایم و خود را به کتاب و سنت سپرده ایم. برخی مکاتب فکری که هنوز به این مسئله حیاتی می اندیشند را مرور و آنجا که فرصتی دست داده نقد کرده ایم. سعادت رابه ویژه از منظر دو دولت مدرن و اسلامی بازخوانی و به بنیان ها و چالش های نظری آن پرداخته ایم. برخی از متفکران را سوز و همپای آنان مراتب اندیشه شان را اندیشیدیم. دولت و سعادت در اتوپای ترکی، آخرین گذرگاهی بود که از آن عبور کردیم.

